اعتبارسنجی روایات جمع و تدوین قرآن کریم در زمان ابوبکر و عمر

سهراب مروتی [1]
فرشته دارابی [2]

چکیده

مسأله جمع و تدوین قرآن کریم و اصول حاکم بر آن، از مسائل مهّم علوم قرآنی و اسلامی است. به این موضوع از نظرگاه‌های مختلف نگریسته شده است. این مسأله در همه ادوار تاریخی، محققان و اندیشمندان اسلامی و حتی در قرن معاصر مستشرقین را به تکاپو در این رابطه وادار نموده است. افق نگاه در این پژوهش، تکیه بر روایات جمع قرآن در زمان خلیفه اول و دوم دارد؛ بر این اساس که این روایت‌ها را از جوامع روایی، به ویژه اهل سنت گرد آورده و با استناد به شواهد و قراین مستند بین فریقین و علی‌الخصوص اهل سنت به تحلیل و اعتبارسنجی این روایت‌ها پرداخته است.

این پژوهش با شیوه کتابخانه‌ای ـ اسنادی به استخراج احادیث جمع آوری قرآن در زمان خلفای اول و دوم از منابع اصلی حدیثی اهل سنت پرداخته و سپس با روش توصیفی تحلیلی، با استفاده از ابزارهای نقد حدیث درصدد نقد و اعتبارسنجی این روایت‌ها است. دستاورد این پژوهش این است که جمع‌آوری قرآن در زمان رسول خدا ﷺ صورت گرفته و روایت‌های جمع آوری به دست خلفا پذیرفتنی نیست.

کلید واژه‌ها: جمع قرآن، عصر نبوی، دوران خلفا، نقد متنی روایات، مصاحف.

مقدمه

هر مسلمانی علاقه‌مند است که با تاریخ کتاب دینی خود آشنا گردد و از لا به لای مدارک موجود، میزان اهتمام مسلمانان صدر اسلام را به این کتاب مقدس به دست آورد؛ زیرا قرآن کریم، معتبرترین منبع اسلامی و از جنبه‌های گوناگون، کتابی بی‌همتا است؛ به گونه که

۱. دانشیار دانشگاه ایلام (sohrab_morovati@yahoo.com).
۲. دانشجوی دکتری رشتهٔ علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی ﷺ (fereshteh_darabi81@yahoo.com).

خداوند متعال قرآن را این چنین معرفی می‌نماید:

«ذَٰلِکَ الْکِتَٰبُ لَا رَیْبَ فِیهِ هُدًی لِّلْمُتَّقِینَ»؛[3]

این است کتابی که در[حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقواپیشگان است.

مرحوم طبرسی درتفسیرآیه شریفه این چنین فرمودند:

درآن، بدگمانی وشک ندارد وحتی چیزی که سبب شک وبدگمانی شده، در این کتاب وجود ندارد.[4]

اما با این وجود، برای مسلمانان جالب است که بدانند قرآنی که اکنون بی هیچ تغییری دردست ما قراردارد، چه فرازونشیبی را پیموده است. یکی ازدقیق‌ترین مباحث علوم قرآنی، بررسی تاریخ تدوین قرآن کریم است. تاریخ، به روشنی گواهی می‌دهد که وحی آسمانی ازاهمیّتی خاص میان مسلمانان برخوردار بوده؛ به‌گونه‌ای که درطول تاریخ دردو زمینه حفظ وکتابت قرآن همه توان وامکانات خویش را به کارگرفته‌اند. با وجود این، مسأله جمع قرآن، ازمسائل مهمی است که همیشه مورد نزاع میان اندیشمندان ازفِرق مختلف اسلامی بوده است. عالمان اسلامی علاوه براهمیّت خود موضوع، ازآن روکه فضل جمع قرآن را به خلیفه‌ای خاص نسبت دهند، درباره آن بحث کرده‌اند. اما دانشمندان غربی انگیزه‌های دیگری برای تحقیق دراین مسأله داشته‌اند. خاورشناسان درمطالعات قرآنی خود، همواره درپی مقایسه قرآن کریم باکتب مقدس درویژگی‌های مختلف آن بوده‌اند و سعی کرده‌اند خاستگاهی یهودی برای قرآن ومفاهیم آن اثبات کنند. ازسوی دیگر، مشاهده می‌شود که مناقشات مربوط به تاریخ تدوین متن عهدین را به تاریخ تدوین قرآن نسبت داده‌اند تا بنیان اصیل‌ترین اعتقاد مسلمانان را ـ که همان مصونیّت وعدم تحریف قرآن کریم است ـ زیرسؤال ببرند.

بنا براین، پژوهش حاضربه تحلیل این روایات می‌پردازد تا روایات صحیح را ازسقیم تمیزداده وزمان دقیق تدوین قرآن کریم را مشخص کند. ازاین رو، به بررسی روایت‌های جمع وتدوین قرآن کریم توسط ابوبکروعمر ـ که منشأ شک وشبهه دراین وادی ازعلوم قرآنی است، پرداخته می‌شود. باید توجه داشت که اگربخشی ازهریک ازروایت‌ها،

۳. سوره بقره، آیه ۲.

۴. *مجمع البیان*، ج۱، ص۵۸.

با استفاده از قراین و شواهد به زیر سؤال برود و متزلزل گردد، برای مردود دانستن آن کافی است.

پیشینه علمی تحقیق

با توجه به جست وجوهایی که نگارنده درباره سابقه و پیشینه این پژوهش با عنوان «اعتبارسنجی روایت‌های جمع و تدوین قرآن کریم توسط خلفای سه‌گانه» در منابع و مآخذ صورت داده است، هیچ گونه پژوهشی که به تحلیل و اعتبارسنجی روایات به صورت کار نقد سندی و متنی باشد، در منابع اینترنتی و نیز بانک‌های اطلاعاتی، مربوط به پایان نامه‌های کارشده در سطح کشور و نیز مقاله‌ای که در یکی از مجلات و نشریات داخلی به چاپ رسیده باشد، مشاهده نکرده است، اما درباره جمع قرآن کریم به عنوان یکی از مباحث تاریخ قرآن از قرون پیشین آثار بسیاری نگاشته شده است. در این قسمت به علت رعایت اختصار به برخی از این منابع اشاره می‌شود:

۱. *کتاب تاریخ جمع قرآن کریم* محمدرضا جلالی نائینی؛ در این کتاب به شرح و بیان این مسأله به صورت جریانی تاریخی پرداخته شده است؛ بدون این که بر این مسأله نقدی انجام بدهد.

۲. کتاب *حقایق هامة حول القرآن الکریم* سید جعفر مرتضی عاملی؛ ایشان یک بخش از کتابش را به مسأله جمع قرآن کریم اختصاص داده، دیدگاه‌ها و نظریات مختلف درباره جمع قرآن کریم را بیان نموده و سپس جمع‌کننده قرآن را در زمان پیامبر ﷺ معرفی کرده، روایات جمع قرآن در زمان خلفا، مصحف‌های صحابه و ویژگی آنها را بیان نموده است.

۳. کتاب *کاوشی در تاریخ جمع قرآن* سید محمد علی ایازی؛ این کتاب مشتمل بر سه بحث است که عبارت‌اند از: ادله موافقان توقیفیت آیات و سوره‌ها، ادله جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ بر پایه سنت، ادله مخالفان توقیفت آیات و سوره‌های قرآن. نویسنده در این کتاب بیشتر درباره مسأله توقیفیت بحث نموده و بحث و نقدی برای مسأله روایات جمع و تدوین در زمان خلفا، نگارش و مدون نمودن قرآن انجام ندادند.

۴. پایان نامه «جمع قرآن کریم» که توسط احمد فغانی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و به راهنمایی استاد جعفر سامی در سال ۱۳۷۰ نگاشته شده است. در این پایان نامه موضوع جمع قرآن را به طور مستقل مورد بحث قرار داده، اما تنها به گزارش این قضیه به صورت تاریخی پرداخته است.

۵. پایان نامه «تدوین وجمع آوری قرآن» که توسط محمد عیسی واعظی درمقطع کارشناسی ارشد به راهنمایی سید محمد علی ایازی درسال ۱۳۸۳ نوشته شده است. این پایان نامه نیزبه طورمستقل به موضوع جمع وتدوین قرآن پرداخته، اما فقط گزارشی ازآن ارائه داده است.

تفاوت پژوهش حاضر، با پژوهش‌های پیشین دراین است که این پژوهش دردرجه نخست، برروایت‌های جمع قرآن درزمان ابوبکروعمرتکیه دارد ودرابتدا به نقد سندی این روایات با تکیه برنظرات اهل سنت پرداخته وسپس با دسته بندی شواهد وقراین محتوایی ـ که دلالت برنظم وترتیب قرآن ونگارش وکتابت آن درزمان رسول ﷺ دارند ـ پایه‌های روایت‌های جمع قرآن درزمان خلیفه اول ودوم را ـ که دربین اهل سنت مشهور است ـ متزلزل می‌نمایید. هرکدام ازاین شواهد، یک قسمت ازروایت‌های جمع قرآن را در زمان خلفا مورد تردید قراردهند، کافی است تا براین‌گونه روایت‌ها خط بطلان بکشد. شایان ذکراست که این شواهد ازمنابع اهل سنت استخراج شده تا تعارض موجود درمنابع مشهورایشان روشن گردد.

روایت‌های جمع قرآن درزمان ابوبکرو عمر

دراین قسمت بارزترین روایات جمع وتدوین قرآن کریم درزمان خلیفه اول ودوم از کتب اهل سنت استخراج شده است. به جهت رعایت اختصارروایت‌های مشابه ذکر نمی‌شود. مهم‌ترین این روایت‌ها عبارت‌اند از:

۱. هشام ازپدرش عروه بن زبیرنقل کرده است که وی گفت: همانا ابوبکرکسی است که قرآن را پس ازرحلت نبی اکرم ﷺ جمع نمود.[۵]

۲. عروة بن الزبیرگفت: زمانی که قراء درجنگ یمامه کشته شدند، ابوبکرترسید قرآن از بین برود؛ به همین جهت تیمی را برای جمع قرآن تشکیل داد وبه عمروزید دستورداد که بر درمسجد بنشینند وازهیچ‌کس چیزی ازقرآن نپذیرند، مگراین که دونفرمرد بدان شهادت دهند. درآن صورت بنویسند.[۶]

---

۵. *کتاب المصاحف*، ص۴۸. حدیث از نوع منقطع است؛ زیرا در سند این حدیث منظور از پدر هشام؛ عروه بن زبیر است که هیچ‌گاه ابوبکر را ندیده است و نمی‌تواند از وی حدیث نقل کنند؛ زیرا او در سال هیجده هجری متولد شده، در حالی که ابوبکر در سال سیزده هجری وفات کردند (*تقریب التهذیب*، ج۱، ص۶۷۱).

۶. *فتح الباری*، ج۹، ص۱۲؛ *جمال القراء وکمال القراء*، ج۱، ص۸۶؛ *المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز*، ص۵۵. اسنادش، به دلیلی که در روایت پیشین بیان گردید، منقطع است.

۳. زید بن ثابت گفت: ابوبکر پس ازکشتار یمامه دنبال من فرستاد، درآن وقت عمر پسر خطاب نزد او بود. ابوبکر گفت: عمر نزد من آمده و می‌گوید که کشتار در روز یمامه بر قاریان قرآن سخت بود و من بیم آن دارم که کشتار در جاهای دیگر شدت یابد؛ پس بسیاری از قاریان قرآن از بین می‌روند و من معتقدم که تو به گرد آوردن قرآن فرمان دهی. من به عمر گفتم: چگونه کاری کنم که رسول خدا ﷺ آن را نکرده است؟ عمر گفت: سوگند به خدای، که این کار خیری است؛ پیوسته عمر به من مراجعه می‌کرد و آن قدر گفتار را تکرار کرد و بر من پیچید تا خدا سینه مرا به این کار گشود و در آن همان را دیدم که عمر قبلاً دیده بود. عمر در آن‌جا نشسته بود و خاموش بود. سپس ابوبکر به من گفت تو جوان خردمندی هستی و به کارهای ناشایسته آلودگی نداری و تو بودی که وحی بر رسول خدای را می‌نوشتی. پس قرآن را جست و جو کن و آن را فراهم آور. سوگند به خدای، که اگر به من این تکلیف می‌کردند کوهی از کوه‌ها جابه‌جا کنم، بر من سنگین‌تر از آن نبود که مرا به جمع قرآن فرمودند. گفتم: چگونه کاری می‌کنید که پیامبر خدا ﷺ آن را انجام نداده است؟ ابوبکر گفت: به خدا، این کار خیر است. پس پیوسته ابوبکر به من مراجعه می‌کرد تا خداوند سینه مرا گشود؛ به همان گونه که سینه‌های عمر و ابوبکر را بر این کار گشوده بود. پس برخاستم و قرآن را جست و جو کردم، و آن را از شاخه‌های خرما، سنگ‌های نازک سپید و سینه‌های مردمان گرد آوردم و سرانجام دو آیت آخر سوره توبه را نزد ابوخزیمه انصاری یافتم که نزد احدی نیافته بودم. این صحف نزد ابوبکر ماند تا بدرود حیات گفت. بعد در حیات عمر پیش او بود و سپس نزد حفصه دختر عمر.[۷]

۴. سیوطی به نقل از ابن اشته آورده است: اولین کسی که قرآن را در مصحفی جمع کرد، سالم مولی ابی حذیفه بود. قسم خورد که ردا نپوشد تا این که آن را جمع نماید. پس آن را جمع کرد. آن گاه با هم مشورت کردند که آن را چه بنامند؟ بعضی گفتند: سفر بنامید. گفت: آن اسمی است که یهود آن را بر کتاب خود نهاده‌اند. پس این اسم ناخوشایند آمد. آن‌گاه گفت: همانندش را در حبشه دیدم، مصحف نامیده می‌شد. پس نظرشان بر این جمع شد که آن را مصحف بنامند.[۸]

۵. عمر درباره آیه‌ای از قرآن سؤال کرد، در پاسخ وی گفتند که این آیه در نزد فلان قاری

---

۷. *صحیح البخاری*، ج۶، ص۹۸. سند این حدیث در کتب اهل سنت صحیح و همه رجال این روایت ثقه و سلسله حدیث متصل دانسته‌اند (*فضائل القرآن*، ص۱۵۴؛ *سنن الترمذی*، ج۵، ص۲۶۵؛ *کتاب المصاحف*، ص۵۵).

۸. *الاتقان فی علوم القرآن*، ج۱، ص۲۰۹. سیوطی سلسله سند این حدیث را منقطع دانسته است (همان، ج۱، ص۲۱۰).

بود که درجنگ یمامه کشته شد. عمربن خطاب با احساس خطرازاین که شاید قرآن با از بین رفتن حافظان آن به تدریج ازبین برود، کلمه استرجاع «انّا للّهِ وانّا الیه راجعون» را برزبان راند ودستورداد که هرچه زودترقرآن را جمع آوری کنند. اواولین کسی بود که قرآن را در مصحف جمع نمود.[9]

۶. یحیی بن عبد الرحمان بن خطاب نقل می‌کند که عمربن خطاب تصمیم گرفت قرآن را جمع‌آوری کند؛ درمیان مردم به پا خاست وگفت: هرکس چیزی ازقرآن را از رسول خدا فراگرفته است، بیاورد ومردم آیاتی راکه درلوح‌ها واستخوان‌های شتروشاخه‌های پهن نوشته بودند، آوردند؛ ولی عمرازکسی آیه‌ای را نمی‌پذیرفت، مگرآن چه راکه دونفربه قرآن بودنش شهادت دهند. عمردرهمان روزها ـ که مشغول جمع آوری قرآن بود ـ به قتل رسید. پس ازوی ـ که عثمان زمام خلافت را به دست گرفت ـ به مردم ابلاغ نمود که درپیش هرکس آیه ویا آیاتی ازکتاب خدا وجود دارد، بیاورد؛ ولی اوهم هیچ سخنی را قبول نمی‌کرد، مگربا شهادت دونفرکه قرآن بودن آن را امضا وتصدیق کنند. درآن هنگام، خزیمة بن ثابت آمد وگفت: من با چشم خود دیدم که شما دوآیه ازقرآن راکنارگذاشتید وآنها را ننوشتید. گفتند: آن دوآیه کدام است؟ گفت: من خودم ازرسول خدا این دوآیه را فراگرفته‌ام. آن‌گاه دوآیه آخر سوره برائت را خواند: «لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ...». عثمان این دوآیه راکه ازخزیمه شنید، گفت: من شهادت می‌دهم که این دوآیه ازطرف خدا نازل شده است. شما چه مصلحت می‌دانید واین آیه را درکجای قرآن قراردهیم؟ خزیمه گفت: این دوآیه را به آخرین سوره‌ای که برپیامبرﷺ نازل شده است، ملحق کنید! این بود که این دوآیه را به آخرسوره برائت ملحق ساختند وآن سوره را با همان دوآیه پایان دادند.[10]

---

۹. *کتاب المصاحف*، ص۶۰؛ *البدایة والنهایة*، ص۱۶؛ *فتح الباری*، ج۹، ص۸. ابن حجر وابن کثیر در کتاب‌هایشان اسناد این روایت را منقطع دانسته‌اند؛ زیرا حسن بصری، عمر بن خطاب را درک نکرده است (ر.ک: *تهذیب الکمال*، ج۶، ص۶۳؛ *البدایة والنهایة*،، ص۱۶). هم‌چنین عبدالله بن محمد ـ که از راویان حدیث است ـ جرح یا تعدیلی در باره وی در کتب نیامده است (ر.ک: *کتاب المصاحف*، ص۶۰).

۱۰. *کتاب المصاحف*، ص۶۰؛ *فتح الباری*، ج۹، ص۱۹. اسناد این روایت منقطع است؛ زیرا یکی از راویان این روایت یحیی بن عبد الرحمن است که عمر بن الخطاب ملاقات نکرده است. (ر.ک: *تقریب التهذیب*، ج۱۱، ص۲۶۷)، اما در کتاب مصاحف سند این روایت ضعیف دانسته شده؛ زیرا عمر بن طلحة اللیثی را فردی بی‌تقوا معرفی کردند (ر.ک: *کتاب المصاحف*، ص۶۲).

اعتبارسنجی داخلی (نقد متنی) روایات

تحلیل و نقد محتوایی روایات، براساس معیارهای مورد اعتماد جمیع مسلمین صورت گرفته این معیارها عبارت‌اند از:

۱. اضطراب، ۲. قرآن، ۳.سنت، ۴. عقل، ۵. تاریخ، ۶. اجماع.

الف) معیار اضطراب

اضطراب درمتن، درجایی است که متن روایت به صورت‌های مختلف وغیرقابل جمع نقل شده باشد.[۱۱] متن روایت‌های جمع آوری قرآن کریم، پس از پیامبرﷺ و درزمان خلیفه اول و دوم، تناقض‌های آشکاری با هم دارند که عبارت‌اند از:

۱. طراح نخستین جمع قرآن کریم

براساس روایت دوم، ایده جمع قرآن برای نخستین بارتوسط ابوبکرمطرح گردید. او تیمی را برای جمع قرآن تشکیل داد و به عمروزید دستورداد که بردرمسجد بنشینند. این درحالی است که بنا برروایت سوم، پنجم وششم این اقدام به پیشنهاد عمرصورت گرفت.

۲. جمع کننده نخستین

طبق روایت‌های اول تا سوم، نخستین کسی که قرآن را جمع کرد، ابوبکربود. این در حالی است که درروایت چهارم، نخستین جمع کننده قرآن سالم مولی ابی حذیفه، و در روایت پنجم، نخستین کسی که اقدام به جمع آوری قرآن نمود، عمربود. اما درروایت ششم، این اقدام درزمان عمرناقص ماند وعثمان جمع قرآن را انجام داد.

آیةالله خویی معتقد است که تناقض درونی این روایات، باعث سلب اعتماد به آنها می‌شود.[۱۲] به همین جهت، اضطراب درونی این روایات، زمینه نقد روایات جمع قرآن را فراهم آورده است؛ هرچند استاد معرفت معتقد است که این تناقض واضطراب روایات جمع قرآن بدوی است وبا نگاه عمیق‌تربه این روایات، می‌توان میان آنها جمع کرد.[۱۳]

درنقد نظرآیةالله معرفت ـ که اختلاف بین روایات جمع قرآن را قابل جمع دانسته‌اند ـ باید اذعان داشت که اختلافات بین روایات جمع قرآن اختلافاتی اساسی است وقابل جمع نیستند؛ زیرا هریک ازاین روایت‌ها درپی بزرگ‌نمایی فرد مورد نظرخود

۱۱. *روش‌شناسی نقد احادیث*، ص۶۶۵.

۱۲. *بیان درعلوم ومسائل کلی قرآن*، ص۲۴۷- ۲۴۶.

۱۳. *تاریخ قرآن*، ج۱، ص۲۸۵.

هستند و به احتمال زیاد منشأ فرقه‌ای وکلامی دارد که از قرن دوم به بعد آغاز شد. برای روشن‌تر شدن بحث، به قراین مستحکم دیگری ـ که در ذیل آورده می‌شوند ـ می‌پردازیم:

ب) شواهد قرآنی

بدون تردید، عرضه به قرآن و به عبارت روشن‌تر، مخالفت با قرآن کریم، معتبرترین معیاری است که می‌توان برای بازشناخت روایات صحیح از سقیم مورد استفاده قرارداد. دراین قسمت، با جست وجو در آیات قرآن و مفاهیم آنها به دنبال شواهد باید گشت تا مضمون روایات جمع قرآن در زمان ابوبکر و عمر با آنان سنجیده شود.

آیات و شواهد قرآنی را دراین زمینه را می‌توان چند دسته طبقه‌بندی نمود که عبارت‌اند از:

ابزارهای نگارش در قرآن کریم

با استناد به آیات، ابزارهای متداول نگارش در زمان رسول ﷺ عبارت‌اند از:

الف. قرطاس: به معنای کاغذ است؛[14] به عنوان نمونه در آیه شریفه:

«وَ لَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ»؛[15]

و اگر مکتوبی، نوشته بر کاغذ، بر تو نازل می‌کردیم و آنان، آن را با دست‌های خود لمس می‌کردند، قطعاً کافران می‌گفتند: این [چیزی] جز سحر آشکار نیست.

ب. قلم: به صورت مفرد و جمع یعنی اقلام در چهار مورد در قرآن به‌کار رفته است؛[16] به عنوان نمونه آیه شریفه:

«الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»؛[17]

همان کس که به وسیله قلم آموخت.

طبق آیه شریفه خدای تعالی قرائت و یا کتابت را به وسیله قلم بیاموخت،[18] و یا به

۱۴. *المفردات فی غریب القرآن*، ج۱، ص۶۶.

۱۵. سوره انعام، آیه۷.

۱۶. برای مطالعه بیشتر به آیات ذیل مراجعه شود: سوره قلم، آیه۱؛ سوره لقمان، آیه۲۷؛ سوره آل عمران، آیه۴۴؛ سوره علق، آیه۴.

۱۷. سوره علق، آیه۴.

عبارتی، خداوند از طریق قلم وکتابت همه علوم را به بشر آموخت.[۱۹] پس چگونه امکان دارد، فرستاده خداوند مهم‌ترین منبع هدایت را ـ که جامع علوم است ـ در زمان حیاتش به بشر از طریق قلم وکتابت آموزش ندهد؛ درصورتی که نص آیه شریفه دلالت بر آموزش مبتنی برکتابت دارد.

ج. مداد: به معنای مرکب مصطلح؛ درآیه شریفه:

«قُل لَّوْكَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا»؛[۲۰]

بگو: «اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکّب شود، پیش از آن که کلمات پروردگارم پایان پذیرد، قطعاً دریا پایان می‌یابد؛ هرچند نظیرش را به مدد [آن] بیاوریم.

چنان که از بیان آیه برداشت می‌شود، به احتمال زیاد، مسلمانان از این ابزارها برای نگارش وکتابت قرآن کریم استفاده می‌نمودند که آیه شریفه برای تقریب اذهان، جهت فهم مقام والا وغیرقابل تصور مفاهیم الهی این ابزارها را مثال زده است.

د. صُحُف: به معنای برگ‌هایی ازکاغذ است که روی آن نوشته شده باشد؛ برگی که از دورو مکتوب باشد.[۲۱] این واژه درهشت مورد ازآیات قرآنی به کاررفته است؛ به عنوان مثال درآیه شریفه:

«رَسُولٌ مِنَ اللهِ يَتْلُوا صُحُفاً مُطَهَّرَةً»؛[۲۲]

فرستاده‌ای ازجانب خدا که [برآنان] صحیفه‌هایی پاک را تلاوت کند.

درتفسیرآیه شریفه آمده است:

صحیفه‌هایی که درآن نوشته‌های درست وموزون وثابت وپرارزش باشد.[۲۳]

ی. سِجلّ: به معنای پیمان‌نامه وکتابی است که قاضی، دعاوی واحکام را درآن می‌نویسد که آن اسناد معاملات ونامه‌دان است.[۲۴] این واژه یک مرتبه درقرآن، آن هم تنها

۱۸. *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج۲۰، ص۵۴۹.
۱۹. *الأمثل فی تفسیرکتاب الله المنزل*، ج۲۰، ص۳۲۱.
۲۰. سوره کهف، آیه۱۰۹.
۲۱. *مجمع البحرین*، ج۵، ص۷۸.
۲۲. سوره بینه، آیه ۲.
۲۳. *تفسیر نمونه*، ج۲۷، ص۱۹۹.
۲۴. *مجمع البحرین*، ج۵، ص۳۹۳.

به صورت مفرد، درآیه شریفه ذیل به کاررفته است:

«یَوْمَ نَطْوی السَّمَاءَ کَطی السِّجِلّ لِلْکُتُبِ»؛[۲۵]

روزی که آسمان را همچون درپیچیدن صفحه نامه‌ها درمی‌پیچیم.

و. رَقّ: به معنای پوست نازک وظریفی است که روی آن می‌نویسند.[۲۶] این کلمه به صورت مفرد درآیه شریفه آمده است:

«فی رَقٍ مَّنشُور»؛[۲۷]

درطوماری گسترده.

ازمجموع این آیات چنین برداشت می‌شود که نگارش امری رایج بوده وابزارهای نگارش دربین مردم متداول بوده است. پس کتابت مسأله تازه‌ای نبوده که درزمان خلافت ابوبکرشیوع پیداکند وچون سابقه‌ای دراین زمینه وجود نداشته، افراد ازانجام این امر واهمه داشته باشند یا حتی طبق متن روایات باکشته شدن قراء وحفاظ درجنگ یمامه به فکرجمع قرآن بیفتند. به این ترتیب، هرچند ازاین آیات، جمع ومدون بودن قرآن کریم استنباط نمی‌گردد، ولی همین قدرکه قسمتی ازروایات را ـ که حاکی ازعدم نگارش قرآن درزمان رسول‌اند ـ مخدوش نمایند، حایزاهمیت هستند.

۱. ذکرواژه «کتاب»

واژهٔ کتاب ازمادهٔ «ک ت ب» بوده وبارها درقرآن کریم به‌کاررفته است. درمعنای این ماده میان دانشمندان علم لغت دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که می‌توان آنها را دردو دسته قرارداد:

الف. مادهٔ «کتب» به معنای جمع وضمیمه کردن چیزی به چیزدیگراست.[۲۸] اطلاق کتاب برنوشتن و«کتیبه» برنوشته ازاین باب است که درنوشتن ونوشته حروف با هم جمع می‌شوند ودرکنارهم قرارمی‌گیرند.

ب. مادهٔ «کتب» دراصل به معنای نوشتن است وکتاب، صحیفه‌ای است که درآن نوشته می‌شود.[۲۹]

---

۲۵. سوره الأنبیاء، آیه ۱۰۴.

۲۶. *لسان العرب*، ج۱۰، ص۱۲۲.

۲۷. سوره الطور، آیه ۳.

۲۸. معجم *المقاییس اللغه*، ج۵، ص۱۵۸.

۲۹. *لسان العرب*، ج۱، ص۶۹۸؛ *المفردات فی غریب القرآن*، ج۱، ص۶۹۹.

نتیجه، این‌که معنای اصلی ماده کتب و ساختارهای صرفی آن، همان نوشتن است. درباره دیدگاه کسانی که معنای اصلی مادهٔ «ک ت ب» را انضمام چیزی به چیزی دیگر می‌دانند، این نکته شایان توجه است که به یقین، ماده کتب برهرجمعی قابل صدق نیست؛ زیرا به جمع هرسنگ وچوبی کتاب نگفته‌اند؛ به عنوان نمونه درآیه شریفه ذیل چنین آمده است:

«كِتابٌ فُصِّلَتْ آياتُهُ قُرْآناً عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُون»؛[30]

کتابی است که آیات آن، به روشنی بیان شده، قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند.

مرحوم طبرسی درتفسیراین آیه آورده است:

تفصیل آیات به معنای نظم آن است که به بهترین شکل منظّم شده است.[31]

قرآن مجید درآیات بسیاری «کتاب» نامیده شده است وازاین نام‌گذاری چنین بر می‌آید که قرآن جمع‌آوری شده بود؛ زیرا قرآنی که درسینه‌ها بود ویا درلوحه‌های پراکنده، تخته پاره‌ها واستخوان‌های متفرق نوشته شده باشد، کتاب نامیده نمی‌شود ومعمولاً کتاب مجموعه‌ای راگویند که دارای وجود واحد مشخص بوده، صورت مدونی داشته باشد. نوشته‌های پراکنده وقطعه قطعه، کتاب نامیده نمی‌شود تا چه رسد به آن که اصلاً نوشته نشده، وجای آن دل‌ها وسینه‌ها باشد.

۲. آیات تحدی

درآیات تحدی ازکفار، مشرکان وآنان که قرآن کریم را به عنوان کتاب آسمانی نمی‌دانستند، خواسته شده است تا مانند آن یا ده سوره یا حداقل یک سوره بیاورند وچون نتوانستند بیاورند، باید اذعان کنند که قرآن کریم معجزه وکلام الهی است؛ به عنوان نمونه آیه شریفه:

«قُل لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْاِنسُ وَالْجِنُّ عَلى أَن يَأْتُواْ بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْءَانِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ»؛[32]

بگو: اگرانس وجن گرد آیند تا نظیراین قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد.

۳۰. سوره فصلت، آیه۳.

۳۱. ر.ک: *مجمع البیان*، ج۲۲، ص۹.

۳۲. سوره الاسراء، آیه۸۸.

علامه طباطبایی درذیل آیه چنین بیان نمودند:

ضمیر«مثله» درآیات تحدی ولفظ کتاب به تمام قرآن برمی‌گردد.[۳۳]

ودرتفسیر*الکشاف*، ذیل این بخش ازآیه «أَن يَأْتُواْ بِمِثْلِ هَـذَا الْقُرْءَانِ» آمده است که منظور، نظیراین قرآن را دربلاغت، حسن نظم وتألیف آن آورده شود.[۳۴]

بنا براین، تحدی تنها به صورت آوردن نظیرقرآن به صورت شفاهی نیست، بلکه یکی ازموارد تحدی، تحدی به نظم وتألیف قرآن کریم است. به این ترتیب، قرآن تا آن موقع، آن مقدارکه نازل شده بود، به صورت منظم دریک مجموعه دردسترس مشرکان بوده است تا این مبارزه‌طلبی درست باشد وگرنه می‌گفتند: ما چیزی نداریم تا بتوانیم روی آن فکرکنیم ومانند آن را بیاوریم. تعبیر«هذا القرآن» دراین آیات به کاررفته، مؤید این مطلب است.

۳. اظهارات مشرکان

«وَ قَالُواْ أَسَطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِى تُمْلى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلا»؛[۳۵]

وگفتند: افسانه‌های پیشینیان است که آنها را برای خود نوشته، وصبح وشام براواملامی‌شود.

درتفسیراین آیه شریفه آورده‌اند که: کلمه «اکتتاب» به معنای کتابت ونوشتن است، و اگرنوشتن را به آن جناب نسبت داده‌اند، با اینک ه می‌دانستند آن حضرت نوشتن را نمی‌داند، ازباب مجاز، ویا ازاین باب است که به درخواست اودیگران نوشته باشند.[۳۶] مرحوم طبرسی درذیل آیه شریفه این چنین بیان نموده‌اند:

اصل کلمه «اکتتاب» به معنای استکتاب است؛ یعنی این که ازکسی بخواهد برایش بنویسد.[۳۷]

روایت‌هایی که جمع قرآن را به خلیفه اول وگروهش نسبت داده‌اند، با این آیه درتضاد آشکارهستند؛ زیرا طبق این آیه شریفه نوشته‌هایی موجود بوده ومشرکان آن را دردسترس

۳۳. *المیزان فی تفسیرالقرآن*، ج۱۳، ص۲۷۹.
۳۴. *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*، ج۲، ص۶۹۲.
۳۵. سوره فرقان، آیه ۵.
۳۶. ر.ک: همان، ج۳، ص۲۶۴؛ *المیزان فی تفسیرالقرآن*، ج۱۵، ص۲۴۹.
۳۷. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج۱۷، ص۱۸۴.

داشته‌اند تا بتوانند بگویند که پیامبر ﷺ قرآن را از روی افسانه‌های گذشتگان نوشته است. ونکته قابل ملاحظه، این که زمانی که مشرکان آیات مکتوب را دراختیار داشتند، چگونه امکان داشت مسلمانان آنها را دراختیار نداشته باشند وبا ازکشته شدن حافظان ترس از بین رفتن قرآن وجود داشته باشد.

بنا براین، ازاشاره‌ها ونکته‌های موجود درخود قرآن این چنین برداشت می‌شود که مسأله نگارش وکتابت قرآن امری نوظهوروبدیع نبود که انجمن جمع قرآن درعصرخلفا از انجام آن ترس وواهمه داشته باشند، بلکه طبق مضمون آیات، درعصرنزول، ابزارنگارش دردسترس بوده تا جایی که مشرکین آیات قرآن را افسانه‌های پیشینیان می‌پنداشتند که پیامبر ﷺ دستوربه رونوشت ازآنها را داده بود.

ج) معیارسنت

برای بررسی روایات جمع قرآن درزمان ابوبکروعمر، معیاردیگری که می‌توان آن را به کارگرفت، سنت رسول خدا ﷺ است. شایان ذکراست روایت‌هایی که حکایت ازجمع وتدوین قرآن درزمان رسول ﷺ دارند، ازمنابع روایی اهل سنت استخراج گردیده‌اند تا اولاً، شاهد مثال‌های برای تضعیف روایت‌های جمع قرآن درزمان خلیفه اول و دوم باشند وثانیاً، تناقض‌های موجود درکتب روایی مهم ومورد اعتماد اهل سنت، درباره این وادی ازعلوم قرآنی آشکارگردند. مهم‌ترین وبارزترین موارد سنت نبوی دراین رابطه عبارت‌اند از:

۱. نظم وترتیب آیات وسوره‌ها

دربخش نخست، با نگاهی به اسناد ومدارک جمع قرآن، دربرابرروایاتی که می‌گوید جمع قرآن، پس ازپیامبر ﷺ بوده، اخباری وجود دارد که روشن می‌کند قرآن درعهد پیامبر ﷺ جمع گردیده وآیه‌ها وسوره‌های آن منظم ومرتب شده است. یعقوبی در تاریخش وزرکشی درکتاب *البرهان* چنین نقل کرده‌اند:

> هرگاه برپیامبرآیه وسوره‌ای نازل می‌شد، می‌فرمودند که آنها را بنویسید ودر باره آیه‌های پراکنده می‌فرمودند که این آیه را درفلان سوره قراردهید.[۳۸]

هم‌چنین، خازن درتفسیر *لباب التأویل* نقل می‌کند:

۳۸. *تاریخ الیعقوبی*، ج۲، ص۴۳؛ *البرهان فی علوم القرآن*، ج۱، ص۳۲۵.

جبرئیل همواره می‌گفت این را بگذارید دراین جا و یا درآن جا.[۳۹]

این اخبار اگرچه درباب ترتیب آیات است، اما نکته مهم این‌ها، اهتمام پیامبر ﷺ به گردآوری است. اگر این اخبار را درکنار روایات بسیاری که حکایت ازاهتمام فراوان پیامبر ﷺ به کتابت وگردآوری، قرآن می‌کنند، گذاشته شوند، می‌توان چنین استنباط نمود که جمع وترتیب، درعصرایشان بوده است.

بنا براین، نظم آیه‌های قرآن با اشراف حضرت انجام گرفته است؛ زیرا وقتی قرآن به صورت نوشتار درآید، نوشتار نظم کلمه‌ها وجمله‌ها را می‌طلبد؛ بدون نظم وترتیب کلمه‌ها وجمله‌ها نوشتار صورت نمی‌گیرد.

۲. عرضه قرآن بررسول

اسنادی موجود هستند که نشان می‌دهد بسیاری ازصحابه قرآن را برحضرت عرضه کردند؛ به عنوان نمونه: ابی بن کعب، قرائت قرآن را برطبق ترتیب موجود ـ که آغازآن سوره «فاتحه» بود وبه ترتیب تا سوره «ناس» به پایان می‌رسید ـ به پیامبر ﷺ عرضه داشت.[۴۰]

هم‌چنین مشهوراست:

> زید بن ثابت آخرین عرضه قرآن را شاهد بود ـ که دراین عرضه، موارد منسوخ مشخص شده بود ـ وقرآن را نوشت وبرپیامبراکرم ﷺ عرضه داشت.[۴۱]

ازاین روایات استفاده می‌شود که این گروه، قرآنی راکه گردآوری کرده بودند، بر پیامبر ﷺ عرضه کردند تا مبادا درآن اشکالی به وجود آمده باشد، غلط ثبت شده، یا در ترتیب آن اشتباهی رخ داده باشد. اهتمام نویسندگان وحی نسبت به صحت کتابت و گردآوری چنان بوده است که همواره قرآن را برپیامبر ﷺ عرضه می‌کردند واگراشتباهی می‌دیدند، برطرف می‌کردند. به همین دلیل، ابن حجر در *فتح الباری* می‌نویسد:

> همه قرآن درزمان رسول ﷺ نوشته وجمع گردید.[۴۲]

بنا براین، زمانی که تعدادی ازصحابه ازجمله خود زید بن ثابت شاهد آخرین عرضه قرآن بوده وطبق روایات، قرآن را نوشته وبرحضرت قرائت کرده‌اند. پس دلیلی

۳۹. *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، ج۱، ص۸.
۴۰. *تذکرة الحفاظ*، ج۱، ص۱۶.
۴۱. *تاریخ القرآن*، ص۷-۷۱۰؛ *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، ج۸، ص۱۳۴.
۴۲. *فتح الباری*، ج۹، ص۱۰.

ندارد که با گرفتن دو شاهد، قرآن را از روی نوشته‌های پراکنده و سینه‌های حفاظ جمع نماید. از طرف دیگر، عرضه قرآن بر رسول ﷺ دلالت بر نظم و ترتیب آیات و سور قرآنی دارد؛ زیرا عرضه یک کتاب و مطلب باید به صورت مرتب و منظم باشد؛ نه این که پراکنده و متفرق باشد.

۳. تألیف قرآن

از دلایل اعتقاد بر تألیف قرآن در زمان رسول ﷺ، روایت مشهوری است که از زید بن ثابت نقل شده است:

> **کنا عند النبیّ ـ صلی الله علیه و سلّم ـ نؤلف القرآن من الرّقاع؛**[۴۳]
> نزد پیامبر اکرم ﷺ مشغول به تألیف قرآن از رقاع بودیم.

این نقل، دلیل روشنی است بر آن که قرآن در زمان پیامبر اکرم ﷺ تدوین شده است؛ زیرا واژه نؤلف از منظر لغت شناسان از ریشه «اَلَفَ» و به معنای تنظیم و مرتب کردن گرفته شده است.[۴۴]

در همین زمینه نیز مرحوم طبرسی از سید شریف مرتضی (م۴۳۶ق) نقل می‌کند:

> تألیف قرآن در عهد پیامبر ﷺ انجام گرفت به همین شکل ـ که الآن در اختیار ماست ـ و ترتیب به همان ترتیب موجود است.[۴۵]

طبق این روایات، علاوه بر این که قرآن در زمان رسول ﷺ نگارش شده، بلکه این نگارش طبق واژه «تألیف» به صورت منظم و مرتب بوده است. این مطلب بر تمامی روایت‌ها و اقوالی که حاکی از پراکنده ماندن آیات قرآن تا پس از رحلت‌اند، خط بطلان می‌کشد.

۴. تقسیم بندی قرآن

در مجامع حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده که قرآن بر چهار مجموعه تقسیم گردیده؛ چهار مجموعه‌ای که هم اکنون در ترتیب مصحف رعایت شده است؛

خداوند به من هفت سوره طولانی (طوال) به جای تورات و سوره‌های صد

---

۴۳. *البرهان فی علوم القرآن*، ج۱، ص۳۳۱؛ *الاتقان فی علوم القرآن*، ج۱، ص۲۰۷، ۲۱۴ و ۵۷۳.
۴۴. *لسان العرب*، ج۹، ص۱۰.
۴۵. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج۱، ص۲۷.

آیه‌ای (مئین) به جای انجیل و سوره‌های دوگانه کمتر از صد آیه (مثانی) به جای زبور و سوره‌های کوتاه و پی درپی (مفصلات) به جای دیگر کتاب‌های انبیای عطا کرده است.[۴۶]

از این روایت و روایت‌های شبیه به این ـ که مجال بیان آنها نیست ـ چنین برداشت می‌شود که اگر قرآن در عهد پیامبر ﷺ نظم و ترتیبی مشخص به مانند یک کتاب منسجم نداشته است، حضرت این فصل‌بندی و تقسیم را بیان نمی‌کرد. پس پراکنده بودن قرآن در زمان خلفا با این ادله روایی نیز هم‌خوانی ندارد.

۵. قرائت از روی مصحف

از جمله ادله روایی که پایه‌های روایات جمع قرآن کریم در زمان ابوبکر و عمر را متزلزل می‌سازد، روایاتی است که بر قرائت از روی مصحف دلالت دارند. شایان ذکر است که واژه مصحف در نزد لغت‌دانان زبان عربی به مکتوباتی گفته می‌شود که در بین الدفتین قرار گرفته باشد.[۴۷] در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است:

فضیلت تلاوت از روی مصحف بر تلاوت از حفظ، مانند فضیلت واجبات است بر نوافل.[۴۸]

این روایت و روایت‌های مشابه، دلیل روشنی بر مجموعه‌های تألیفی قرآن، پیش از درگذشت رسول خدا ﷺ است. اگر در آن زمان جمع و تدوینی نبود، معنا نداشت که در باره «نظر در مصحف» سخن گفته شود. این که در برخی از گزارش‌ها در عهد خلفا آمده است که نام‌گذاری به مصحف در عهد خلفا، پس از جمع آوری آنها بوده است، با این روایات متعارض است، و نشان می‌دهد که مسأله نامگذاری و جمع قرآن در عهد خلفا در یک سنخ کاملاً ساختگی است.

۶. احکام مصحف‌ها

دسته‌ای از احادیث بیان‌گر این مطلب‌اند که در عصر پیامبر ﷺ مصحف‌های متعددی (ناقص یا کامل) نزد صحابه وجود داشته و آنان مصحف‌های مذکور را قرائت کرده، در اختیار دیگران نیز قرار می‌دادند. رسول خدا ﷺ نیز احکامی چند درباره آن

۴۶. *کنز العمال*، ج۱، ص۵۷۲؛ *البرهان فی علوم القرآن*، ج۱، ص۳۶۵.
۴۷. *کتاب العین*، ج۳، ص۱۲۱؛ *لسان العرب*، ج۹، ص۱۸۶.
۴۸. *کنز العمال*، ج۱، ص۴۵۹؛ *محاظرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء*، ج۲، ص۴۳۵ و ۴۳۷.

مصاحف مقرر داشته است؛ به عنوان مثال: عبد اللّٰه بن عمر گوید:

رسول خدا ﷺ از بردن قرآن به سرزمین کفار نهی فرمود.[۴۹]

و نیز در نامه‌ای که آن حضرت برای اهل یمن نوشتند و در آن مستحبات، واجبات و دیات را ذکر فرموده‌اند، آمده است:

کسی قرآن را بدون وضو مس نکند.[۵۰]

هم‌چنین از ابن عباس روایت شده است:

صحیفه‌ها و نسخه‌های قرآن خرید و فروش نمی‌شد؛ بلکه افراد، کاغذ را نزد رسول خدا ﷺ می‌آوردند و اشخاص به نوبت و برای تقرب جستن به خداوند، قرآن را می‌نوشتند تا تمام می‌شد.[۵۱]

این احادیث بیان‌گر اهتمام رسول اکرم ﷺ به تدوین و هم‌چنین ارسال مصاحف به سرزمین‌های مختلف هستند و هم‌چنین، دلالت دارند بر این که نسخه‌های از قرآن موجود بوده که حضرت بر این نسخه‌ها احکامی را جاری نموده‌اند.

۷. محل مصحف در مسجد النبی ﷺ

در میان روایات اهل سنت، روایاتی وجود دارد که در صدر اسلام، قرآن را در بین دیوار و منبر می‌گذاشتند. سپس افرادی از روی آنها می‌نوشتند؛ به عنوان نمونه، یزید بن ابی عبید گوید:

همراه سلمة بن الاکوع به مسجد می‌رفتم و او نزد ستونی که قرآن را در آنجا می‌گذاشتند، نماز می‌خواند.[۵۲]

هم‌چنین، در روایت دیگری آمده است:

در مسجد نبی ﷺ مکانی مشخص شده وجود داشت که آن را «مکان مصحف» می‌نامیدند.[۵۳]

---

۴۹. *کنز العمال*، ج۱، ص۵۲۲.
۵۰. *السنن الکبری*، ج۱، ص۳۰۹.
۵۱. همان، ج۶، ص۱۶.
۵۲. *صحیح مسلم*، ج۲، ص۵۹.
۵۳. همان، ج۲، ص۵۹.

این روایت‌ها گویای دو مطلب‌اند: یکی، رواج کتابت قرآن در زمان رسول گرامی اسلام ﷺ و دیگری، قرارداشتن مصحف رسول ﷺ در بین عموم مردم و در یک مکان عمومی. اگر تمام قاریان و حافظان نیز کشته می‌شدند، بابت بین رفتن قرآن نگرانی وجود نداشت؛ زیرا قرآن به صورت مصحف و در مکان عمومی در اختیار عامه مردم قرار داشت.

۸. نظارت پیامبر ﷺ بر نگارش

حضرت رسول ﷺ بر کتابت قرآن کریم، خود نظارت می‌فرمودند و حتی نوع رسم الخط حروف را خود مشخص می‌کردند.[۵۴] هم‌چنین، از کاتبان می‌خواستند تا پس از تحریر، نزد حضرت بازخوانی کنند تا اطمینان حاصل شود که عیناً همان‌طور که خواسته‌اند، مکتوب شود.[۵۵] از زید بن ثابت روایت شده است:

> من همواره وحی را برای رسول خدا ﷺ می‌نوشتم، و چنین بود که وقتی وحی نازل می‌شد، آن را در شرایط شدیدی دریافت می‌داشت ... سپس من وسیله‌ای آورده و در حالی که پیامبر ﷺ املا می‌کرد، من می‌نوشتم ... هنگامی که از نوشتن فارغ می‌شدم، پیامبر ﷺ می‌فرمود: بخوان! من می‌خواندم، چنانچه مطلبی یا چیزی جا افتاده بود، آن را تصحیح می‌کرد، آن‌گاه در اختیار مردم قرار می‌گرفت.[۵۶]

بنا بر این دسته از روایت‌ها، نگارش قرآن برای پیامبر ﷺ امری مهم بوده که خود بر آن نظارت داشته تا نوشته‌های قرآن از هرگونه خطا و اختلاف مصون بمانند.

۱. لفظ کتاب

در حدیث مشهور ثقلین به آنچه از پیامبر اکرم ﷺ باقی مانده کتاب اطلاق شده است؛ چنان که می‌فرماید:

> من در میان شما دو چیز باقی گذاشته ام، کتاب خدا و عترتم (اهل بیتم) و...[۵۷]

این حدیث، به روشنی ثابت می‌کند که قرآن در زمان پیامبر جمع‌آوری شده بوده است. اگر کسی بگوید معنای احادیثی که می‌گویند: قرآن در زمان پیامبر ﷺ جمع شده، این

۵۴. *بحار الانوار*، ج۹، ص۲۴.
۵۵. *مجمع الزوائد*، ج۱، ص۱۵۲.
۵۶. همان، ص۱۵۲.
۵۷. *مسند احمد*، ج۴، ص۳۶۷.

است که در سینه‌ها جمع شده است، به طور مسلّم سخن بسیار نادرستی گفته است. اگر این حدیث از کتابت منظم قرآن در عهد پیامبر ﷺ گواهی ندهد، لااقل گواه بر آن است که قرآن از نظر سور و آیات هر سوره در زمان پیامبر ﷺ تنظیم شده بود؛ هرچند مجموع آن روی کاغذ نیامده بود.

برخی در موارد دیگر نیز از تعبیر «کتاب» چنین برداشت نموده‌اند؛ وقتی پیامبر ﷺ در هنگام رحلت فرمودند که قلم و دواتی بیاورید تا چیزی بنویسم که پس از من گمراه نشوید، عمر در آنجا حضور داشت و گفت: «حسبنا کتاب الله».[58] اشاره به لفظ صریح «کتاب الله» را در کلام رسول ﷺ و عمر بن خطاب دلیل بر مجموع بودن قرآن در عهد رسول اکرم ﷺ و کتاب بودن آن باید شمرد.

۲. مصاحف صحابه

در زمان رسول خدا ﷺ، هرکدام از صحابه برای خود مصحفی داشتند، و به‌گونه‌ای که توانسته بودند، تدوین و تنظیم می‌کردند و چنان که گفتیم، نسخه‌ای نیز از هر نوشته آیات، نزد رسول خدا ﷺ گرد می‌آمد تا جایی که در برخی روایات آمده است که حضرت به خواستاران مصحف، مصحف می‌دادند؛ مثلاً عثمان بن ابی العاص نقل می‌کند:

> هنگام ورود هیأت نمایندگی «ثقیف» بر پیامبر ﷺ وارد شدم و از حضرت مصحفی را ـ که نزدش بود ـ خواستار شدم و حضرت آن را به من عطا کرد.[59]

بر حسب روایات، در زمان ابوبکر مصحف‌هایی آماده و دسترس بودند؛ اگرچه از نظر ترتیب با یکدیگر اختلاف داشتند، یا آن که در حواشی این قرآن‌ها دعاهایی افزوده شده بود.[60] تهیّه این مصحف‌ها علاوه بر این که قرآن را به صورت مکتوب نزد مسلمانان محفوظ می‌داشت، هرکدام از صحابه نیز امکان می‌داد که در هر فرصتی قرآن را قرائت کنند و کسی که فاقد مصحف بود، باید قرآن را از حفظ می‌خواند.

از مجموع آیات و روایات در این زمینه دو مفهوم کلی و مهم می‌توان دریافت: اولاً، نگارش و کتابت قرآن کریم در زمان رسول ﷺ و دیگری، این که آیات و سوره‌ها در زمان رسول ﷺ منظم و مرتب شده بودند که به تبع آن در مجموع کتابت و نگارش قرآن کریم با

۵۸. *صحیح البخاری*، ج۱، ص۵۴؛ *صحیح مسلم*، ج۲، ص۱۶.

۵۹. *مجمع الزوائد*، ج۹، ص۳۷۱.

۶۰. برای اطلاع از اختلاف ترتیب مصاحف، رک: الاتقان، ج۱، ص۶۴-۶۲؛ *فتح الباری*، ج۹، ص۳۸- ۳۹؛ *مناهل العرفان*، ج۱، ص۲۴۰. *تاریخ القرآن*، زنجانی، ص۷۰ - ۸۰؛ *تاریخ الیعقوبی*، ج۲، ص۱۳۵ و ۱۳۶.

نظم وترتیب وبه دورازهرگونه اختلاف وپراکندگی درزمان رسول ﷺ صورت گرفت. شواهد قرآنی وروایی خط بطلان برهرگونه روایت ونظریه‌ای می‌کشد که معتقد برجمع و تدوین قرآن کریم، پس ازرحلت رسول ﷺ وتوسط خلفا است. این شواهد درشکل زیر بدین صورت دسته بندی گردیده‌اند:

شکل ۱): شواهد قرآنی و روایی جمع و تدوین قرآن کریم در زمان رسول خدا ﷺ

د) معیارعقل

سومین معیاری که می‌تواند درنقد روایات جمع قرآن کریم کارآیی بسیارمهمی داشته باشد، عقل است. روایات جمع قرآن پس ازپیامبر ﷺ با دلیل عقلی نیزناسازگارند؛ دلیلی که ثابت می‌کند ممکن نیست پیامبر ﷺ با آن اهتمامی که به مسأله قرآن وحفظ آن داشته‌اند، نسبت به تنظیم وترتیب آن بی‌توجه باشند وبه نسل‌های بعدی خود بسپارند؛ زیرا محفوظ ماندن هرکتابی به مراقبت خود مؤلف بازمی‌گردد؛ به ویژه اگراین کتاب، سرنوشت سازباشد ودرس علمی وعملی برای نسل‌های آینده داشته باشد. نیزانحراف، دست خوردگی ومسائل دیگردرکتاب‌های آسمانی پیشین تجربه شده باشد؛ رنج تحریف درخود کتاب وخاطرمخاطبان؛ یعنی مسلمانان بازگوشده باشد ومهّم‌ترازهمه آن که این کتاب، معجزه برترپیامبرخاتم ﷺ باشد که پس ازاودست بشرتا همیشه ازدامن وحی جدید منقطع خواهد شد. دراین صورت، ممکن نیست شخصی چون پیامبر ﷺ مسأله تألیف را به دیگران واگذارکرده باشد ودرحیات خود، کاری چنان سترگ را به اهمال وانهاده باشد. مقدمات این دلیل عبارت‌اند از:

الف. خداوند حکیم ازآن جهت که هرکارش ازروی حکمت وهدف‌داراست وهیچ

کاری را بیهوده انجام نمی‌دهد، قرآن کریم را به عنوان کتاب جامع دین و شریعت اسلام برای هدفی نازل کرده است و آن، این است که بشر از زمان نزول تا قیامت، برنامه زندگی خود را بر اساس آن تنظیم کند و زمینه سعادت ابدی را برای خویش فراهم سازند.

ب. به اقتضای حکمت پروردگار و تحقق هدف مذکور باید قرآن کریم، بدون هرگونه کاستی یا زیادتی در همه اعصار، نسل اندر نسل در اختیار مردم قرار گیرد و این جز با تدبیرهای لازم خداوند و پیامبر ﷺ در جمع و پیشگیری از تحریف نمی‌تواند باشد.[۶۱] خداوند تعالی، خود به مقتضای حکمتش چنین اشاره کرده است:

«لَّا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيد»؛[۶۲]

از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی‌آید وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده [صفات].

آیه شریفه مبیّن این حقیقت است که چون قرآن کریم از ناحیه خدای حکیم نازل شده، رسول اکرم ﷺ، گذشته از آن که مشمول هدایت و تدبیر الهی است، خود مدبّری یگانه است و می‌داند که قرآن کریم باید تا قیامت، بدون هرگونه کاستی یا زیادتی باقی بماند؛ زیرا بعد از او پیامبری دیگر نخواهد آمد. بنا بر این، ضروری است که برای حفظ قرآن کریم تدبیری درست بیاندیشد. او بهتر از هر سیاستمداری می‌دانست که در آن اوضاع و احوال سیاسی که منافقان، مشرکان، دولت‌های بزرگ و پیروانی از ادیان دیگر می‌خواستند، به هر صورت ممکن قرآن کریم را ـ که اساس اسلام است ـ از بین ببرند و می‌فهمید که پراکنده گذاشتن آن، زمینه مناسبی برای دشمنان اسلام است که با تحریف قرآن اعتبار و حجیّت آن را مخدوش سازند.

پاسخ به شبهات

۱. برخی گفته‌اند که جمع‌آوری و نظم و ترتیب قرآن کریم، موضوعی تاریخی است و با دلیل عقلی اثبات نمی‌شود.[۶۳]

در پاسخ می‌گوییم: اولاً، جمع‌آوری قرآن کریم، فقط یک موضوع تاریخی نیست؛ زیرا مسائلی از قبیل توقیفی بودن ترتیب آیات و سور، حجیت و اعتبار قرآن کریم، حکمت و تدبیر

۶۱. *کاوشی در تاریخ جمع قرآن*، ص ۶۷ - ۶۸.
۶۲. سوره فصلت، آیه ۴۲.
۶۳. *التمهید فی علوم القرآن*، ج۱، ص۲۸۵.

ومدیریت رسول اکرم ﷺ را دربردارد که همه آنها اعتقادی محسوب می‌شوند و نه تاریخی.

ثانیاً، چه اشکالی دارد که موضوعی تاریخی ازطریق تحلیل واستدلال عقلی مورد بررسی قرارگیرد؟ بی‌تردید، وقوع یا عدم وقوع بسیاری ازوقایع نقل شده درتاریخ، با تحلیل عقلی روشن می‌شود وازاین طریق می‌توان، به صحت یا جعلی بودن اخبارمربوط به آن پی برد.

ثالثاً، برخی ازقضایای تاریخی این گونه‌اند که گرچه روز، ماه، سال وشرایط آنها ازنظر نقل تاریخی معلوم نیست، ولی اصل آن قضیه ازنظرعقلی مسلّم است؛ مانند مرگ یک رجل سیاسی یا مذهبی یا علمی درقرون گذشته، که گرچه سال، ماه وروزآن روشن نیست، امّا شکی دروقوع آن نمی‌توان داشت. قضّیه جمع‌آوری وترتیب وتنظیم آن توسّط پیامبرﷺ نیزگرچه روزوماه آن ازنظرتاریخی معلوم نیست، ولی اصل آن براساس تحلیل عقلی امری مسلّم است.

۲. شبهه دیگر، این که اهتمام پیامبرﷺ به قرآن کریم چیزی نیست که قابل انکارباشد؛ به همین جهت می‌پذیریم که ثبت آیات ضمن سوره‌ها درزمان خود آن حضرت انجام گرفت، ولی این اهتمام با این که جمع سوره‌ها وترتیب آنها پس ازرحلت پیامبرﷺ و توسّط اصحاب صورت پذیرفته باشد، منافات ندارد.[۶۴]

درپاسخ گفته می‌شود: اولاً، با توجّه به این که دشمنان اسلام درصدد بودند تا قرآن کریم راکم، زیاد وتحریف کنند، به تأخیرانداختن جمع‌آوری آن با حکمت وتدبیررسول اکرم ﷺ سازگاری ندارد.

ثانیاً، ضمانتی وجود ندارد که ترتیب قرآن کریم را همان گونه که رسول اکرم ﷺ خود به امروهدایت پروردگارمی‌تواند صورت دهد، به اصحاب واگذارد؛ زیرا برفرض که همه اصحاب ازنظرامانتداری وتقوا برجسته باشند ومنافقانی دربین آنها نباشند، مسلّماً مصون ازخطا نمی‌توانستند باشند واحتمال تحریف درقرآن کریم همچنان باقی بود.

ثالثاً، برای این که اصحاب پیامبرﷺ نظم وترتیب مورد نظرپروردگاررا درقرآن کریم پیاده کنند، برپیامبرﷺ لازم بود که نوع ترتیب ونظم صد وچهارده سوره را به اصحاب می‌آموخت وبرای این امروقت زیادی را اختصاص می‌داد؛ بیش ازوقتی که برای جمع‌آوری، نظم وترتیب قرآن کریم، با نظارت خود آن حضرت لازم بود. تدبیرحکیمانه این

۶۴. *التمهید فی علوم القرآن*، ص ۲۸۶.

است که خود حضرت به این مهّم اقدام کند و آن را به تأخیر نیندازد.[۶۵]

۳. اهتمام پیامبر صلی الله علیه و آله به شأن قرآن تردید ناپذیر است و می‌توان این اهتمام را در ثبت آیات ضمن سوره و پس از نزول مشاهده کرد و نظم آیات در هر سوره تحقق پذیرفته است، اما جمع و ترتیب سوره‌ها به مانند یک کتاب حاصل نشده؛ زیرا همواره این گمان بوده که قرآن بازهم نازل می‌شود و وحی قطع نشده و صحیح نیست که قرآن میان دو جلد قرار گیرد، اما هنگامی که یقین کردند که وحی قطع شده، حضرت به علی علیه السلام وصیت کرد که قرآن را جمع‌آوری کند.[۶۶]

این استدلال برای عدم توقیفیت سوره از ایشان بسیار عجیب است. مگر نمی‌شود تا زمانی که وحی قطع نشده، ترتیب آیات و نظم سوره‌ها مشخص شود، و هرگاه آیه یا سوره‌ای نازل شد، بگویند این آیه و سوره را در میان آن آیات یا سوره‌ها قرار دهید. فرقی بین آیه و سوره از جهت ترتیب نیست. اگر احتمال نزول وحی می‌رفته، باید ترتیب آیه‌ها را هم به بعد واگذار می‌کردند؛ زیرا احتمال می‌رفت آیه‌ای بعد نازل شود. چگونه است که به زعم ایشان هرگاه آیه‌ای نازل می‌شد، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌فرمودند که آن را در سوره‌ای خاص و پس از آیه‌ای خاص قرار دهند، اما اگر می‌خواستند بگویند سوره‌ای را که نازل شده باید در میان فلان سوره و فلان سوره قرار داد، این ممکن است نبوده است! اتفاقاً احتمال نزول یک یا چند آیه تا نزول سوره در اواخر دوران مدینه بیشتر بوده است.

اندیشمندانی مانند: ابن طاووسی، امام شرف الدین، عاملی، رامیار، آیة‌الله خویی[۶۷] و... در کتاب‌هایشان به این مسأله تأکید داشتند.

هـ) معیار تاریخ

یکی از معیارهایی که از سوی صاحب‌نظران فریقین برای نقد روایات به کار رفته و می‌رود، معیار تاریخ است. به جرأت می‌توان گفت این معیار در زمینه روایات جمع قرآن کریم از معیارهای اساسی است؛ زیرا روایات جمع قرآن کریم حایز مباحث تاریخی هستند؛ به عنوان نمونه، هیچ فردی نمی‌تواند در این واقعیّت تردید کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله

۶۵. *حقایقی مهم پیرامون قرآن*، ص۵۸.

۶۶. *التمهید فی علوم القرآن*، ص۲۸۵.

۶۷. *سعد السعود*، ص۱۹۲ – ۱۹۳؛ *اجوبة المسائل جارالله*، ص۳۱؛ *حقایقی مهم پیرامون قرآن*، ص۱۰۰؛ *تاریخ قرآن*، ص۲۸۰؛ *بیان در علوم و مسائل کلی قرآن*، ص ۲۵۳.

نویسندگانی داشته است که وحی را می‌نوشتند. مورخان نیز نام نویسندگان را به صراحت یاد کرده‌اند.

درکتاب‌های تاریخی، نصوص زیادی دراختیاراست که براین واقعیت دلالت دارد؛ به عنوان نمونه درکتب اهل سنت آمده است:

> عمربا برآشفتگی به سوی خواهرش وشوهراورفت که ناگاه دریافت خبّاب بن ارت ازروی نسخه‌ای سوره طه را به آنها آموزش می‌دهد. آنها با آگاهی یافتن از آمدن عمر، خبّاب را درصندوقخانه پنهان کردند ونسخه را نیزمخفی ساختند ... عمربه آنهاگفت: آنچه راکه می‌خواندید، به من بدهید تا ببینم محمّد چه آورده است. خواهرآن را به اوداد واوآن را خواند وازفصاحت وبلاغت آن در شگفت شد.[۶۸]

بنا براین، روایت‌های جمع وتدوین قرآن کریم درزمان خلفا با واقعیت‌های مسلّم تاریخی درزمان رسول خدا ﷺ متعارض هستند. ازطرف دیگر، اگربپذیریم که ابوبکرقرآن را ازمنابع پراکنده گرد آورد وقبل ازایشان قرآن کریم جمع آوری نشده بود، با توجه به این که ابوبکرتنها دوسال ودوماه خلافت کرد واین مدت برای جمع قرآن که دردست آن همه اشخاص پراکنده بود، کوتاه به نظرمی‌رسد؛ به ویژه اگرجنگ یمامه را سبب واقعی بدانیم، فرصت باقی مانده فقط پانزده ماه خواهد بود.

و) معیاراجماع

ازجمله معیارهایی که گاه برای نقد روایات ازآن استفاده می‌شود، معیاراجماع است؛ اعم ازآن که اجماع مسلمانان باشد یا اجماع امامیه، که درهردوصورت دارای اعتباراست.

یکی ازاشکالاتی که به روایات تدوین قرآن دردوران خلفا وارد شده، این است که اگر بپذیریم این روایات صحیح ومورد اعتماد است، باید اجماع مسلمانان درپذیرفتن قرآن با تواتررا نفی کنیم؛ زیرا این روایات می‌گویند که زید بن ثابت یا عمربن خطاب اعلام کردند که تنها با شهادت دادن دونفروحتی یک نفرآیه‌ای را ثبت کنند.

آیةالله خویی درتقریراین اشکال درکتاب *البیان* می‌نویسند:

> تمام مسلمانان برای اثبات قرآن بودن، سخن وراهی جزتواترونقل‌های فراوان و

۶۸. *السیرة النبویة*، ج۱، ص۳۶۵ –۳۷۰.

یقین‌آور نمی‌دانند؛ در صورتی که روایات تدوین، دلالت می‌کنند که هنگام گردآوری قرآن، تنها مدرک و مرجعی که برای اثبات قرآن بودن در اختیار بود و توسط آن، آیات قرآن از غیرش تشخیص داده می‌شد، شهادت دو نفر مسلمان و گاهی یک نفر که شهادت او مطابق شهادت دو نفر باشد، قرار داشت. نتیجه سخن، این است که قرآن با خبر واحد ثابت گردیده و نوشته شده است، نه به طور تواتر. آیا واقعاً یک نفر مسلمان می‌تواند با این مطلب همراهی کند و بدان معتقد باشد و یا حتی کمتر، چنین سخنی را بر زبان براند؟ آیا قطعی بودن این مسأله که قرآن باید از راه تواتر و نقل‌های پیاپی و یقین آور ثابت گردد، و نه از راه خبر واحد و یا شهادت دو نفر، نمی‌تواند دلیل قطعی بر دروغ بودن این روایات بوده باشد؟[۶۹]

این اشکال آن چنان روشن است که بسیاری از محدثان و مورخان را به تکاپو واداشته و برای دفع آن به راه‌هایی متوسل شده‌اند. ابو شامه (م۶۶۵ق) در *المرشد الوجیز* ـ که اشکال روایت را به خوبی درک کرده است ـ خود توجیه دیگری ذکر می‌کند و می‌گوید:

منظورشان این بوده که ثابت شود مکتوبات عرضه شده آن چیزی است که مطابقت با نوشته‌هایی می‌کند که در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نوشته شده، نه این که شهادت بر حفظ باشد.[۷۰]

سیوطی که خود این احتمالات را در معنای روایات نقل شده ذکر می‌کند، احتمال دیگری طرح می‌کند و می‌گوید:

شاید هم منظور آن باشد که شهادت بدهند که این نوشته‌ها مطابق با آخرین عرضه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سال وفات حضرتش بوده است.[۷۱]

آن چه ایشان و دیگران می‌گویند، از روایات استنباط نمی‌شود و اگر این معنا باشد، قهراً با اجماع مسلمانان در ثابت شدن قرآن با تواتر منافات دارد. این که قرآن با تواتر ثابت شده است، محل بحث نیست. محل بحث در محتوای این روایات است که می‌گویند قرآنی را گردآوری کردند که روش آنها با شهادت عدلین بود. البتّه بازما با واقعیّت عمل زید بن ثابت کاری نداریم. ممکن است نسخه‌ای که او در میان دو جلد قرار داده، همان مکتوباتی

۶۹. *بیان در علوم و مسائل کلی قرآن*، ص۳۲۰.
۷۰. *المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز*، ص۶۰.
۷۱. *الاتقان فی علوم القرآن*، ج۱، ص۲۱۰.

باشد که با تواتر ثابت شده است، اما اشکال بر سر این روایات و محتوای آن است که چنین چیزی را نمی‌گویند.

نتیجه

با توجه به مطالبی که بیان گردید، نکته بارز در این روایات، تعارض این روایات با یکدیگر است؛ به گونه‌ای که حتی افراد غیر متخصص در حوزه علوم قرآن و حدیث ـ که برای نخستین بار، با این روایات مواجهه می‌شوند ـ بدون تأمل به این امر پی می‌برند.

در این پژوهش تا حدی چهره از حقیقت آشکار گردید؛ زیرا با توجه به شواهد مورد اعتماد بین فریقین چنین استنباط گردید که رسول خدا ﷺ توجه خاصی نسبت به جمع و تدوین قرآن داشته و طبق آیات شریفه امکانات و وسایل موجود بوده است.

با این اوصاف چگونه می‌توان تصور نمود که مسلمانان فداکار صدر اسلام اعتنایی به جمع قرآن و حفظ آن ننموده باشند تا در نتیجه، خلفا به جمع آوری قرآن بپردازند؛ در هنگام جمع آوری قرآن، ثبت هر آیه‌ای را منوط به شهادت دو نفر بدانند! این احتمال همان گونه که به طور مفصل بیان نمودیم، از نظر عقل و بررسی تاریخ و اجماع مردود و غیر قابل اعتنا است.

گذشته از دلایل عقلی و تاریخی، روایت‌های بسیاری در کتب روایی اهل سنت مبنی بر جمع آوری قرآن در زمان رسول ﷺ ورد روایت‌های جمع آوری به دست خلفا وجود دارد. روایات رسیده از رسول ﷺ را ـ که در جوامع روایی اهل سنت موجود است ـ بررسی نمودیم و به شواهد و قراینی، دال بر نگارش و جمع‌آوری قرآن به صورت مصحف در زمان رسول ﷺ دست یافتیم.

بنا بر این، با توجه به تمام شواهد و قراینی که گذشت، می‌توان این‌گونه استنباط کرد، که شواهدی اعم از قرآنی، روایی، عقلی، تاریخ و اجماع درصدد بیان این نکته هستند که روایات رسیده در خصوص جمع قرآن کریم در معنای خاص و منحصر به فردی ـ که توسط خلیفه اول و دوم ابداع شده باشد و در جامعه بازتابی فراگیر داشته باشد ـ نبوده است. عرضه روایات رسیده در این برهه زمانی بر شواهدی که قبلاً بدان اشاره شد، بیان‌گر این نکته است که قطعیتی که اغلب محققان و نویسندگان در حوزه‌های گوناگون مطالعاتی بدان معتقد هستند، قابل نقد و بررسی است و حتی در مواردی بسیار ضعیف است.

کتابنامه

- *الاتقان فی علوم القرآن*، جلال الدین سیوطی، بیروت: دارالکتاب العربی، دوم، ۱۴۲۱ق.
- *اجوبة المسائل جارالله*، عبدالحسین شرف الدین، مترجم: علی روحانی اصفهانی، اصفهان: چاپخانه محمدی، بی نا، ۱۳۷۱ش.
- *بحارالانوار*، محمد باقربن محمد تقی مجلسی، بیروت: دارأحیاءالتراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
- *البدایة والنهایة*، ابن کثیر دمشقی، بیروت: المکتبه العصریه، بی نا، ۱۳۸۴ش.
- *البرهان فی علوم القرآن*، محمد بن عبدالله زرکشی، بیروت: دارالمعرفه، اول، ۱۴۱۰ق.
- *بیان درعلوم ومسائل کلی قرآن*، ابوالقاسم خویی، مترجم: نجمی ـ هاشم زاده هریسی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
- *تاریخ القرآن*، ابراهیم آبیاری، قاهره: دارالکتاب المهدی، سوم، ۱۴۱۱ق.
- *تاریخ القرآن*، ابوعبدالله زنجانی، تهران: منظمه الاعلام الاسلامی، بی نا، ۱۴۰۴ق.
- *تاریخ الیعقوبی*، احمد بن اسحاق یعقوبی، بیروت: دارالصادر، بی نا، بی تا.
- *تاریخ قرآن*، محمد هادی معرفت، تهران: سمت، پنجم، ۱۳۸۲ش.
- *تاریخ قرآن*، محمود رامیار، تهران: امیرکبیر، سوم، ۱۳۶۹ش.
- *تذکرة الحفاظ*، محمد بن احمد ذهبی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌نا، ۱۴۱۹ق.
- *تقریب التهذیب*، ابن حجراحمد بن علی عسقلانی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی نا، ۱۴۱۵ق.
- *التمهید فی علوم القرآن*، محمد هادی معرفت، قم: مؤسسه النشرالاسلامی، دوم، ۱۴۱۵ق.
- *تهذیب الکمال*، یوسف بن عبدالرحمن، بیروت: مؤسسه الرساله، بی نا، ۱۴۰۶ق.
- جمال القراء وکمال القراء، علی بن محمد سخاوی، بیروت: دارالبلاغه، بی نا، ۱۴۱۳ق.
- *حقایقی مهم پیرامون قرآن*، جعفرمرتضی عاملی، قم: دفترانتشارات اسلامی، سوم، ۱۳۷۷ش.
- *روش‌شناسی نقد احادیث*، علی نصیری، قم: وحی وخرد، اول، ۱۳۹۰ش.
- *سعد السعود*، علی بن موسی بن طاووس، قم: منشورات الرضی، بی نا، ۱۳۶۳ش.
- *سنن ابن ماجه*، محمد بن یزید قزوینی، بیروت: دارالفکر للطباعه للنشروالتوزیع، بی‌نا، بی تا.
- سنن الترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، بیروت: دارالفکرللطباعه وللنشروالتوزیع، بی

نا، ۱۴۰۳ق.
- *السنن الکبری*، احمد بن حسین بیهقی، بیروت: دارالفکر، بی نا، ۱۳۵۵ق.
- *السیرة النبویة*، عبدالملک بن هشام، بیروت: دارالتراث العربی، بی نا، بی تا.
- *صحیح البخاری*، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت: مؤسسه الرساله، بی نا، ۱۴۰۱ق.
- *صحیح مسلم*، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت: دارالفکر، بی نا، بی تا.
- *فتح الباری*، ابن حجر احمد بن علی عسقلانی، بیروت: دارالمعرفه للطباعه للنشر، بی نا، بی تا.
- *فضائل القرآن*، ابوعبیدالقاسم بن سلام هروی، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۲۶ق.
- *کتاب العین*، خلیل بن احمد فراهیدی، قم: هجرت، دوم، ۱۴۱۰ق.
- *کتاب المصاحف*، ابی داود سجستانی، قاهره: الفاروق الحدیثه للطباعه وللنشر، اول، ۲۰۰۲م.
- *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*، محمود زمخشری، بیروت: دارالکتاب العربی، سوم، ۱۴۰۷ق.
- *کنزالعمال*، علاء الدین علی متقی هندی، بیروت: مؤسسه الرساله، بی نا، ۱۴۰۹ق.
- *کاوشی در تاریخ جمع قرآن*، محمد علی ایازی، قم: انتشارات کتاب مبین، اول، ۱۳۷۸ش.
- *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، علاءالدین علی بن محمد بغدادی، بیروت: دارالکتب العمیه، اول، ۱۴۱۵ق.
- *لسان العرب*، ابن منظور محمد بن مکرم، بیروت: دارصادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
- *مجمع البحرین*، فخرالدین طریحی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ش.
- *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، فضل بن حسن طبرسی، مترجم: گروه مترجمان، تهران: انتشارات فراهانی، اول، ۱۳۶۰ش.
- *مجمع الزوائد*، ابن حجر احمد بن محمد هیثمی، بیروت: دارالکتاب العلمیه، بی نا، ۱۴۰۸ق.
- *محاظرات الادباء ومحاورات الشعراء والبلغاء*، حسین بن محمد راغب اصفهانی، قم: مکتبه الحیدریه، بی نا، ۱۳۷۴ش.
- *المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز*، ابوشامه مقدسی، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۲۴ق.

- *مسند احمد*، احمد بن محمد بن حنبل، بیروت: دارالصادر، بی نا، بی تا.
- *معجم المقاییس اللغه*، احمد بن فارس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، بی نا، ۱۴۰۴ق.
- *المفردات فی غریب القرآن*، حسین بن محمد راغب اصفهانی، بیروت: دارالعلم الدارالشامیه، اول، ۱۴۱۲ق.
- *المیزان فی تفسیرالقرآن*، محمد حسین طباطبایی، مترجم: محمد باقرموسوی همدانی، قم: دفترانتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ۱۳۷۴ش.
- *وسائل الشیعة الی تفصیل مسائل الشریعة*، محمد بن حسن حرعاملی، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، اول، ۱۴۰۹ق.